

احکام و آثار وطی به شبهه از دیدگاه فقهای امامیه و حنابله با تأکید بر دیدگاه صاحب جواهر و ابن قدامه

بنت‌الهدی طبسی^۱، فاطمه رجایی^۲، ناصر سلمانی ایزدی^۳

چکیده

مسئله شبهه در همه ابواب فقه از جمله باب نکاح کاربرد دارد. در مباحث فقهی تحت عنوان قاعده درء مطرح است. از آنجاکه شبهه در نکاح دارای احکام و آثار مهمی است و بررسی آرای علما و فقهای شیعه و اهل سنت جایگاه ویژه‌ای در فقه دارد و از دیرباز مورد توجه بوده است، به بررسی احکام و آثار وطی به شبهه از دیدگاه فقه شیعه و حنبلی با تکیه بر آرای صاحب جواهر و ابن‌قدامه پرداخته شده است. با بررسی آرای این دو فقیه، این نتیجه به دست آمد که در بسیاری از موارد بین آنها شباهت وجود دارد که مهم‌ترین آن این است که هر دو اکثر احکام و آثار وطی به شبهه را ملحق به نکاح صحیح می‌دانند؛ از این رو زنا بودن وطی به شبهه منافی است؛ احکام نکاح از جمله مصاهره در طرفین شبهه، مهرالمثل و عدّه طلاق برای موطوءه به شبهه، الحاق نسب به کسی که شبهه بر او عارض شده، نفقه و ارث ولد شبهه و برداشتن حد از مشتبه در باب شبهه ثابت است. اختلافات بسیار کمی از جمله در تداخل عدّه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها

ابن‌قدامه، شبهه، صاحب جواهر، نکاح، وطی

۱. دانش‌آموخته کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران
hodatabasi_771@yahoo.com
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران
f.rajaei@hsu.ac.ir
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری، خراسان رضوی، ایران
ns.izadi@hsu.ac.ir

مقدمه

گاهی انسان عمل حرام را به اشتباه مرتکب می‌شود. اشتباه دارای انواع گوناگونی است که در فقه از آن به شبهه یاد می‌شود. شبهه در همه ابواب فقه از جمله در باب نکاح کاربرد دارد. از آنجا که نکاح از مهم‌ترین ابواب فقه است، مسئله شبهه در آن نیز از مهم‌ترین مسائل است. این مسئله از بدو تشریح اسلام به‌عنوان قاعده در مورد توجه قرار گرفته است. عموم فقهای شیعه و سنی از جمله صاحب‌جوهر از فقهای شیعه/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۹، ص ۳۷۳) و ابن‌قدامه از فقهای حنبلی(ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵هـ ج ۱، ص ۹۸) درباره شبهه در نکاح بحث کرده‌اند. در منابع روایی شیعه و اهل سنت نیز به شبهه و انواع آن اشاره شده است(رک: کلینی، ۱۴۰۲هـ ج ۶، ص ۴؛ ج ۵، ص ۷۰؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹هـ ج ۵، ص ۵۶۵؛ ج ۴، ص ۱۰).

به‌طورکلی شبهه گاهی مربوط به حکم است و گاهی مربوط به موضوع، و در باب نکاح ممکن است شبهه در عقد باشد یا در فعل، اعم از اینکه شبهه در حکم باشد یا در موضوع(محقق داماد، ۱۴۰۶هـ ج ۴، ص ۵۴). فقهای امامیه و اهل سنت شبهه را به اقسام گوناگون، از جمله شبهه در فعل، شبهه در فاعل، شبهه در عقد، تقسیم و برای هر کدام تعاریف مختلفی را بیان کرده‌اند. صاحب‌جوهر با توجه به ظن فاعل به استحقاق، یا صدور فعل به خاطر جهالتی که در شرع بخشیده شده است و برداشته شدن تکلیف به سبب غیر حرام از مکلف، شبهه را به سه قسم تقسیم کرده است(نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۹، ص ۲۴۴-۲۴۵)؛ ابن‌قدامه این نوع تقسیم‌بندی را بیان نکرده است، اما در بیان احکام شبهه در نکاح، به شبهه در عقد و شبهه در فعل و شبهه در فاعل اشاره دارد.

به منظور الحاق آثار وطی به شبهه به نکاح صحیح، باید احکام و آثار آن بررسی شود. مهر، نفقه، عده، نسب، عدم ثبوت حد زنا و توارث میان دو طرف، از جمله احکام نکاح‌اند که باید دید از منظر صاحب‌جوهر و ابن‌قدامه، شبهه در کدام یک از این احکام، ملحق به نکاح است. هم‌چنین در رابطه با نسب ولد شبهه، احکامی از قبیل حضانت، ولایت، رضاع، نشر حرمت، نفقه و ارث مطرح می‌شود که به بررسی آرای فقهای نام‌برده در این زمینه خواهیم پرداخت. اهمیت شبهه در باب نکاح از آن جهت است که عنوان زانی و زانیه را از طرفینی که شبهه بر آنها عارض شده است، برمی‌دارد و احکام نکاح صحیح را بر آن مترتب می‌کند.

از باب اهمیت مسئله باید گفت که امروزه در فقه مقارن به بررسی تطبیقی مسائل فقهی از دیدگاه فریقین یا فرق مختلف پرداخته می‌شود و این شاخه از دانش اسلامی می‌تواند نتایج بس مهم علمی و عملی و اجتماعی داشته باشد؛ به خصوص امروزه که دشمنان اسلام و مسلمانان بدنبال پررنگ جلوه دادن اختلافات بین فرق هستند و مسئله نیازمندی به وحدت و هم‌گرایی بین فرق اسلامی بیش از هیچ چیز ضروری می‌نماید؛ بنابراین اهمیتی که بر فقه مقارن به طور عام، مترتب است، بر این تحقیق نیز، به‌طور خاص، مترتب خواهد بود. البته فقه مقارن چیزی جدای از این مسائل فقهی تطبیقی نیست. در پی تحقیق تطبیقی در دامنه فقه مقارن است که وجوه اشتراک بین مذاهب و همچنین اختلاف آنها مشخص می‌شود و تا چنین تحقیقاتی صورت نگیرد وجوه اشتراک مشخص نخواهد شد؛ از این‌رو، در این پژوهش تشابهات و تمایزات موجود در آراء صاحب جواهر از فقهای برجسته امامیه و ابن‌قدامه از فقهای حنابله بررسی شده است. روش تحقیق این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای است و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. بررسی مستقل احکام وطی به شبهه کار جدیدی است و تنها مقاله نزدیک به موضوع پژوهش مقاله «بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین ناشی از زنا و وطی شبهه»، نوشته خلیل قبله‌ای خوئی است (قبله‌ای خوئی، ۱۳۷۶) که در آن فقط به بررسی نسب طفل ناشی از شبهه پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. شبهه

شبهه در لغت به معنای شک، اشتباه و التباس درست به نادرست و حق به ناحق است (طریحی، ۱۴۰۱ هـ، ج ۲، ص ۴۷۹). از این‌نظر «شبهه» نام گرفته است که خود را شبیه حق می‌کند و حق می‌نماید (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳۵).

تعاریف مختلفی درباره این اصطلاح فقهی آمده است. برخی گفته‌اند که منظور از شبهه در فقه و قاعده درء به معنای عدم علم، و عدم قطع به حرمت و ممنوعیت عمل یا ترک فعل است که شامل ظن، شک و احتمال می‌شود. بعضی دیگر هم معتقدند که شبهه یعنی قطع به حلیت و اباحت آنچه که در واقع محرم

است. عده‌ای نیز آن را به ظن و گمان تفسیر کرده‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶ هـ، ج ۴، ص ۵۱). به اعتقاد شهید اول، «شبهه اماره‌ای است که برای مرتکب، موجب ظن بر حلیت عمل می‌شود و براساس آن اقدام بر ارتکاب عملی کند که در واقع حرام است» (عاملی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۲۷۷). شهید ثانی نیز می‌گوید: «ضابطه شبهه‌ای که موجب سقوط مجازات می‌شود، این است که مرتکب عمل ممنوع، احتمال حلیت آن عمل را بدهد» (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۹، ص ۲۰).

فقه‌های اهل سنت در تعریف شبهه چنین گفته‌اند: شبهه چیزی است که شباهت به شیء ثابت و واقع را می‌رساند، ولی در واقع هیچ ثبوت و حقیقتی ندارد (سیواسی، ۱۴۲۴ هـ، ج ۴، ص ۱۴۰). شبهه وجود امری به ظاهر مباح‌کننده است که حکم یا حقیقت آن موجود نیست (عوده، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۸۹). برخی معتقدند «شبهه» چیزی است که به ظاهر حق می‌نماید، ولی حق نیست (بوزهره، بی‌تا، ص ۱۸۰).

۲. مصاهرت

مصاهرت از صهر بکسر (صاد) گرفته شده و به معنای قرابت ازدواجی است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۵۸). همچنین به معنای دامادی و شوهر دختر و شوهر خواهر است (طریحی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۴۷۹).

در فقه مصاهرت به معنی علقه خاصی است که از ارتباط زوجیت منشعب شده است (مشکینی اردبیلی، ۱۴۱۹ هـ، ص ۴۹۵)؛ به این معنا که به سبب نکاح بین زن و مرد؛ بین خویشاوندان آنها و افراد دیگر رابطه‌ای به وجود می‌آید که موجب حرمت ازدواج برخی افراد با یکدیگر است، چنانکه شهید ثانی می‌نویسد: «و هی علاقه بین الزوجین و اقرباء کل منهما بسبب النکاح توجب الحرمه» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۵، ص ۱۷۶)؛ مانند ازدواج پدر با زن پسرش حتی پس از مرگ پسرش که از آن به «نشر حرمت» یاد می‌شود.

۳. عده

عده از ریشه عدد گرفته شده به کسر (عین) و فتح (دال) با تشدید به معنای شمردن،

گروه، جمعیت، دسته و تعداد/قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۵۸).

عده در فقه به معنای نگه داشتن مدت زمانی توسط زن پس از طلاق یا فوت همسر است. به این معنا که زن مدتی را سه ماه یا سه طهر در اموری مثل طلاق، فسخ نکاح به علت عیب یا اتمام مدت یا بخشش آن در ازدواج موقت یا وطی به شبهه و ۴ ماه و ده روز پس از فوت شوهر اعمالی، از جمله ازدواج، را ترک می کند/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۲، ص ۲۱۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۵، ص ۲۴۵).

احکام و آثار وطی به شبهه

۱. مصاهرت

یکی از احکامی که در نتیجه نزدیکی بین دو شخص به وجود می آید، مصاهرت است. مشهور فقهای شیعه درباره نشر حرمت در وطی به شبهه، بین وطی به شبهه سابق بر نکاح یا لاحق بر نکاح تفاوت گذاشته اند/حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۳۴۹؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۲۳۴؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۵۴). شبهه سابق به نکاح، یعنی پیش از اینکه نکاح صحیح بین دو شخص به وجود آمده باشد، رابطه ای براساس شبهه، مثل نزدیکی مرد با زن اجنبی، ایجاد شده باشد. شبهه سابق، احکام نکاح صحیح را دارد و نشر حرمت خواهد داشت. وطی به شبهه لاحق بر نکاح، یعنی پس از اینکه نکاح صحیح بین دو فرد به وجود آمده باشد، رابطه ای براساس شبهه، مانند رابطه نزدیکی مرد با مادر زنش، ایجاد شده باشد. شبهه لاحق موجب حرمت و مبطل نکاح سابق نیست/همانجا). طبق نظر صاحب جواهر هنگامی که مرد با زن اجنبی به شبهه همبستر شود، با وطی به شبهه نشر حرمت بین طرفین برقرار می شود/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۹، ص ۳۵۶؛ مثلاً زنی که دچار شبهه حکمیه یا موضوعیه شده است و با جهل به حرمت نکاح در عده یا جهل به تمام نشدن عده، با مهرالمسمای مشخص با مرد ازدواج می کند و با او همبستر می شود. در اینجا طبق نظر صاحب جواهر مرد باید مهرالمسمای مشخص شده در عقد و مهرالمثل وطی به شبهه را به زن بپردازد/همانجا). فرض دیگر نزدیکی پدر مرد به شبهه با زوجه پسرش است که موجب فسخ نکاح پسرش با زن نمی شود/طوسی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۲۰۸؛ بنابراین زنی که به واسطه نکاح

بر انسان حلال شد، یک عمل غیر قانونی (وطی به شبهه) نمی‌تواند این عمل قانونی را از بین ببرد. چنانکه از مفاد روایت «لایحرم الحرام الحلال» چنین برمی‌آید (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۲۸)؛ زیرا پس از انجام نکاح صحیح، عملی (که شرعاً از مبطلات نکاح به حساب نیامده) مانند وطی به شبهه، نمی‌تواند آن را باطل سازد (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۱۲۶).

صاحب‌جوهر دلیل عمده نشر حرمت در وطی به شبهه را اجماع و دلیل عدم نشر حرمت پس از نکاح را اصل عدم دانسته است؛ وی معتقد است که نظر اکثر فقها نیز چنین است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۲۹، ص ۳۷۴). به نظر محقق داماد منظور از اصل در اینجا اصل استصحاب است (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۱۲۶)؛ بنابراین شبهه در نکاح اعم از شبهه عقد و شبهه فعل، مانند نکاح صحیح، نشر حرمت می‌کند. در مقابل این نظر، ابن‌ادریس می‌گوید: «وطی به شبهه مانند نکاح صحیح نیست و حتی نازل منزله آن نیست و موجب نشر حرمت نمی‌شود. خواه این وطی به شبهه پیش از نکاح باشد یا پس از آن، درهرحال رابطه خویشاوندی (مصاهره) ایجاد نمی‌کند» (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ هـ، ج ۲، ص ۵۳۵). محقق حلی می‌نویسد: «وطی به شبهه از لحاظ نشر حرمت مانند نکاح صحیح نیست» (حلی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۲، ص ۲۳۳). بنابراین می‌توان نظریه دومی را در فقه شیعه پیدا کرد که معتقد است وطی به شبهه در حکم نکاح صحیح نیست؛ اعم از اینکه سابق بر عقد نکاح باشد یا لاحق آن؛ ازاین‌رو در اثر این عمل هیچ‌گونه رابطه‌ای ایجاد نمی‌شود.

نظر سومی که می‌توان گفت این است که وطی به شبهه مطلقاً مانند نکاح است، یعنی همان‌طور که اگر مردی با زنی نکاح صحیح کند و در اثر این نکاح قرابت بالمصاهره برقرار شود، مادر زن بر آن مرد حرام می‌شود، در وطی به شبهه نیز مادر زنی که با او اشتبهاً نزدیکی صورت گرفته است بر مرد (واطی) مطلقاً حرام می‌شود، بدین معنی که اولاً پس از وقوع عمل نزدیکی نمی‌تواند با مادر او ازدواج کند؛ ثانیاً چنانچه پس از ازدواج با مادر اشتبهاً با دختر نزدیکی اتفاق افتد، نکاح با مادر باطل خواهد شد یا چنانچه پس از ازدواج با دختر، اشتبهاً با مادر نزدیکی کند، نکاح با دختر باطل خواهد شد (محقق داماد، ۱۳۶۵، ص ۱۲۴). بیشتر حنابله نیز معتقد به نشر حرمت در رابطه با موطوئه به شبهه هستند (بهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۴؛ ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۹۹). ابن‌قدامه وطی را سه نوع بیان می‌کند که

نوع دوم آن را وطی به شبهه می‌داند. حکم آن را مانند وطی نوع اول که براساس نکاح صحیح یا ملک یمین به وجود آمده است، مباح می‌شمارد و موجب نشر حرمت می‌داند، مانند وطی زن در نکاح فاسد یا وطی زنی به گمان اینکه همسرش است و پس از آن معلوم شود که اجنبی بوده است، چنین زنی بر مرد حرام می‌شود، همان‌طورکه در عقد نکاح صحیح این حرمت به وجود می‌آید (ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵هـ.ج، ص ۱۱۷).

ابن‌قدامه در رابطه با نکاح مرد با اولادش از زنا، می‌گوید: نکاح مرد با دخترش از زنا و خواهرش و دختر پسرش و دختر دخترش و دختر برادرش و دختر خواهرش از زنا بر مرد حرام می‌شود (ابن‌قدامه مقدسی، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص ۴۷۸). دختر مرد همان دختری است که از نطفه‌اش به وجود آمده است و این حقیقت با حلال یا حرام بودنش تغییر نمی‌کند؛ چراکه آن دختر از نطفهٔ مرد به وجود آمده است و پس ازدواج، او مانند دخترش از نکاح صحیح، بر مرد حلال نمی‌شود. هرچند در برخی از احکام، اختلاف بین دختر شرعی و وطی به شبهه وجود دارد، ولی دختر بودن وی را نفی نمی‌کند (ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵هـ.ج، ص ۱۱۷).

۲. مهریه وطی به شبهه

یکی از احکام نکاح صحیح، پرداخت مهریه است، اما آیا پرداخت مهریه در وطی به شبهه واجب است؟ در صورت وجوب کدام نوع پرداخت می‌شود؟ مهرالمسمی که متعین نیست اما از انواع دیگر آن، کدام یک از مهرها پرداخت می‌شود: مهرالمثل یا مهرالمتعاه یا مهرالسنة؟ برای پرداخت مهریه موطوئه به شبهه دو فرض را می‌توان تصور کرد:

الف. بین زن و مرد، عقدی منعقد نشده بلکه در اثر اشتباه رابطه برقرار شده است، در

اینجا مهرالمسمی وجود ندارد، آیا باید مهرالمثل پرداخت شود؟

ب. پس از آنکه بین زن و مرد عقد نکاح منعقد و مهری تعیین شد، خبر مرگ شوهر یا

خبر طلاق زن را بیاورند، و زن پس از گذشت عده، با تعیین مهرالمسمی ازدواج دوم کند.

پس از مدتی معلوم شود که شوهر نه مرده بوده و نه طلاق داده است. این فرض هم ملحق

به وطی به شبهه است؛ بنابراین دربارهٔ پرداخت مهریه این سؤال پیش می‌آید که نسبت به

ازدواج دوم، مهرالمسمی پرداخت شود یا چون عقد دوم باطل است، مهرالمثل پرداخت شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴هـ ج ۲، ص ۱۲۸).

به نظر می‌رسد برای هر دو پرداخت مهرالمثل واجب باشد (صدر، ۱۴۱۷هـ ج ۵، ص ۱۳۴؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۲۹، ص ۱۶۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵هـ ج ۲۳، ص ۲۳۴). البته در بین فقهای شیعه، صاحب جواهر می‌گوید به شرطی که مهرالمثل از مهرالسنة (۵۰۰درهم، و هر درهم، نیم مثقال نقره است) بیشتر نباشد (نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۱، ص ۵۴).

هرچند در مذهب حنابله طبق این روایت پیامبر (ص) که می‌فرماید: «زن به نسبت تمتع حاللی که از او برده شده است، مستحق مهریه است» (ابن‌ابی‌شیبہ، ۱۴۰۹هـ ج ۴، ص ۱۴۹؛ کلینی، ۱۴۰۲هـ ج ۵، ص ۴۲۷)، مهریه‌ای به موطوئه به شبهه تعلق نمی‌گیرد (حجاوی مقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۴؛ بهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۴)، ابن‌قدامة معتقد است مهریه به موطوئه در نکاح فاسد و شبهه پرداخت می‌شود. همچنین پرداخت مهریه را به زنی که به اکراه با او زنا شده است، واجب می‌داند (ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۰۵هـ ج ۷، ص ۲۰۷). ابن‌قدامة در ادامه این فرض را بیان می‌کند: «هنگامی که مرد با جهل به شوهردار بودن زن با او ازدواج کند، اگر زوج دوم با زن رابطه نزدیکی برقرار کند، درحالی که علم به شوهردار بودنش ندارد، برای زن مهرالمثل ثابت می‌شود. مرد نیز می‌تواند به کسی که او را فریب داده است، برای گرفتن مهریه رجوع کند، اما پس از اینکه به شوهردار بودن زن علم پیدا کرد، فوراً از یکدیگر جدا می‌شوند و مهرالمثل ثابت نمی‌شود، چراکه بر عقد فاسد چیزی مترتب نمی‌شود. در ضمن نکاح دوم به فسخ احتیاجی ندارد، چرا که باطل است» (همان، ص ۹۰). در ضمن اگر زن علم داشته باشد که زوجة او نیست و بر او حرام است، بر زن مهریه واجب نمی‌شود (همان‌جا)، اما اگر زن جاهل به حال باشد، برای او مهریه ثابت می‌شود، بنابراین علم و جهل را در پرداخت مهریه دخیل می‌داند. همچنین در اثبات مهرالمثل بین موطوئه بیگانه و محارم فرقی قائل نمی‌شود (همان ص ۲۷۲)؛ زیرا منفعت زن با وطی تلف می‌شود، بنابراین مهریه محارم مانند زنی که برای مرد بیگانه است، لازم می‌شود (همو، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص ۴۹۶).

حنابله معتقدند مهریه در مقابل بهره‌بردن از زن است (بهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۴؛ حجاوی مقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۴)؛ از این رو با نزدیکی، مهریه ثابت می‌شود، چه زن بدون شوهر باشد چه با شوهر باشد، البته با سایر استتماعات از زن بدون دخول، مهریه واجب نمی‌شود؛ مهریه‌ای که از واطی گرفته می‌شود، به هیچ وجه از کسی که مهریه به او پرداخت شده (زن) پس گرفته نمی‌شود (همانجا). درباره موردی که مردی همسرش را پیش از دخول طلاق دهد و به گمان اینکه زن به طلاق آگاه نشده است، با او هم‌بستر شود، ابن قدامه می‌گوید: «پرداخت مهرالمثل و نصف مهرالمسمی لازم است» (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۲۰۷). استناد وی به آیه «نصف ما فرضتم» (بقره، ۲۳۷) است؛ بنابراین واجب است نصف مهریه به علت طلاق بدون دخول پرداخت شود. مهرالمثل هم به علت وطی به شبهه مانند هم‌بستر شدن با اجنبی پرداخت شود (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۲۰۷).

۳. عده وطی به شبهه

از نظر فقه شیعه عده موطوئه به شبهه با مطلقه و فسخ نکاح از طرف مرد یا زن، تفاوتی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۲۳؛ خوئی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ص ۳۷۸؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۴۸۱). بنابراین عده موطوئه به شبهه در صورتی که حیض شود سه طهر است. اگر زن بالغ باشد، عده‌اش تا زمانی که حیض نشود سه ماه است، زیرا ملاک در جایی که سه طهر حاصل نشود، گذشت سه ماه به عنوان عده محسوب می‌شود.

حنابله نیز عده موطوئه به شبهه و همچنین موطوئه در نکاح فاسد را عده زن مطلقه می‌دانند (حجاوی مقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۶). اگر زن متأهل به شبهه وطی شود، وطی زن پیش از اتمام عده برای جلوگیری از اختلاط نطفه و اشتباه نسب بر زوجش حلال نمی‌شود (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۱، ص ۹۸). البته وطی مختص به فرج حرام می‌شود، استتماعات دیگر از زن مانند وقتی که وی حائض است، مباح است (همانجا). همان‌طور که قبلاً گفته شد از نظر ابن قدامه اگر مرد با جهل به شوهردار بودن زن با او ازدواج کند و هم‌بستر شود، پس از اینکه علم به شوهردار بودن زن پیدا کرد، زن همسر مرد اول محسوب می‌شود. در ضمن تا زمانی که عده‌اش را با سه حیض تمام نکند، وطی زن بر همسر اولش حلال نمی‌شود، در صورتی که زن حیض شود (همان، ص ۶۰). ابن قدامه ازدواج با خواهر زنی که به خاطر

هم‌بستر شدن با مرد در عده است، جایز ندانسته و معتقد است که اگر با زن زنا کند تا زمانی که عده‌اش تمام نشود نمی‌تواند با خواهر او ازدواج کند. حکم عده از زنا نیز مانند حکم عده از نکاح است/ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵هـ ج ۷، ص ۹۰).

۴. تداخل عده طلاق و عده وطی به شبهه

اکثر فقهای شیعه درباره تداخل بین عده‌ها یا عدم تداخل آنها بحث کرده‌اند، اما در کتب فقه حنبلی صراحتی بر آن یافت نشد؛ بنابراین به‌طور مختصر اقسام تداخل را طبق نظر شیعه بیان می‌کنیم.

۴-۱. در صورتی که عده وطی به شبهه، وضع حمل باشد

اگر مردی زن شوهر دار را به شبهه وطی کند و شوهر زن در حالی که زن از وطی کننده حامله است او را طلاق دهد، وضع حمل، عده وطی به شبهه محسوب می‌شود و اگر یک لحظه پس از وضع حمل، پاک باشد، یک قرء حساب می‌شود از عده دوم (یعنی عده طلاق) و الا اگر پاکی پس از زایمان نبیند، ابتدای عده طلاق پس از نفاس است/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۲، ص ۲۶۴).

به علت اینکه فرض، تأخر وطی به شبهه از طلاق است، حکم مشابه همان است، از آنجاکه عده وطی به شبهه وضع حمل است، به تأخیر انداختن آن امکان ندارد، از این رو در اینجا کامل کردن عده طلاق مؤخر است. طبق نظر مشهور در جایی که عده برای دو شخص متفاوت است، عدم تداخل بین دو عده فرض می‌شود. دلیل آن اجماع ذکر شده است/خوئی، ۱۴۰۱هـ ج ۱، ص ۳۷۸؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۸۱؛ بنابراین اگر زن در عده رجعی باشد و مرد به شبهه با زن ازدواج کند و زن از زوج دوم حامله شود، قطعاً با وضع حمل از زوج دوم عده می‌گیرد نه از زوج اول، چراکه حمل برای وطی به شبهه است. عده طلاق را پس از وضع حمل با سه ماه یا سه طهر کامل می‌کند، زوج می‌تواند در عده طلاق که برای اوست به زن رجوع کند، و در زمان حمل که عده وطی به شبهه است نمی‌تواند به زن رجوع کند/نجفی، ۱۴۰۴هـ ج ۳۲، ص ۳۸۳). به نظر می‌رسد در صورتی که دو عده از دو جنس و برای دو

شخص باشد، تداخل ندارند و زن برای هر کدام عده جداگانه می‌گیرد.

۲-۴. در صورتی که عده طلاق، وضع حمل باشد

در اینجا دو حالت وجود دارد: ۱. حمل به زوج (وطی در نکاح) متعلق است و برای آن دلیل وجود دارد؛ مثلاً پس از اینکه مرد زن حامله‌اش را طلاق داد، زن به شبهه وطی شود، قطعاً با وضع حمل برای وطی اول عده می‌گیرد، و از آنجا که سخن در اینجا درباره مطلقه است و حکم ازدواج در عده شامل زوج و غیر آن می‌شود؛ بنابراین برای وطی دوم پس از وضع حمل با سه طهر عده می‌گیرد، اگر عده اش با قرء باشد (یعنی زنی که عادت ماهانه دارد) و گرنه با سه ماه عده می‌گیرد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۳۶۸؛ خوئی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ص ۳۷۸؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۴۸۱)؛ ۲. حمل به وطی دوم (شبهه) متعلق است و برای آن دلیل وجود دارد؛ مثل اینکه زن بچه را در مدتی بیش از مدت حمل پس از وطی اول (نکاح) به دنیا آورد یا اینکه در فاصله زمانی بین حداکثر زمان حمل و اقل مدت حمل از وطی دوم، وضع حمل کند؛ در اینجا بدون هیچ اشکالی با وضع حمل برای وطی به شبهه عده می‌گیرد، و عده وطی اول را پس از وضع حمل کامل می‌کند (همانجا). به نظر می‌رسد در جایی که عده طلاق به طهر و عده وطی به شبهه به وضع حمل باشد، زن باید دو عده جداگانه بگیرد، به این خاطر که دو عده از دو جنس است.

۳-۴. در صورتی که هر دو عده به طهر یا ماه باشد

اگر وطی به شبهه از طلاق مؤخر باشد و زن نیز باردار نباشد، ابتدا زن عده‌اش را از طلاق تمام می‌کند، چراکه اصل تقدیم عده طلاق است؛ زیرا با استناد به عقد قابل قبول و علت مجاز است، و هنگامی که از عده طلاق فارغ شد، عده وطی به شبهه را آغاز می‌کند. اگر طلاق رجعی باشد زوج می‌تواند در عده طلاق به زن رجوع کند، و با رجوع زوج به زن عده تمام می‌شود و هنگامی که زن عده وطی به شبهه را آغاز می‌کند، قطعاً زوج نمی‌تواند با زن هم‌بستر شود، چرا که او در عده است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۳۶۸؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۴۸۱؛ خوئی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ص ۳۷۸). هرچند برخی از هم‌بستر شدن با زن تا زمانی که عده‌اش تمام شود منع کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۳، ص ۴۸۳؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۴۰۵).

هنگامی که زن در عده طلاق باشد و به طور مثال در پاکی اول یا دوم یا سوم مرد به شبهه با او هم‌بستر شود، طبق نظر صاحب‌جوهر باقی‌مانده عده اول در عده دوم داخل می‌شود، و سپس عده دوم تکمیل می‌شود (تداخل دو عده) (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۶۴). به نظر می‌رسد اگر دو عده از یک جنس و برای یک شخص باشد تداخل دو عده رخ می‌دهد.

از اشکالات این مسئله آنجاست که یکی از دو عده به طهر و دیگری به ماه باشد. هنگامی که زوج، زن را طلاق دهد و به طور مثال پس از اینکه زن دو طهر را پشت سر گذاشته باشد، به شبهه وطی شود و باردار نشود، در اینجا طبق نظر صاحب‌جوهر زن عده وطی اول را با سه طهر کامل می‌کند و اگر فرض شود که زن در زمان وطی دوم یائسه شده است، عده‌گرفتن با سه ماه معتبر می‌شود؛ بنابراین پیش از اینکه عده وطی اول را تمام کند، به عده‌گرفتن از وطی دوم که سه ماه است، حکم می‌شود؛ هرچند که به سن یائسگی رسیده باشد؛ و هنگامی که از عده وطی اول یک طهر باقی مانده است، عده را با یک ماه کامل می‌کند و برای وطی دوم هرچند یائسه باشد، به علت سبقت‌گرفتن وجوب عده پیش از یائسگی باید سه ماه عده نگهدارد (همان، ص ۳۶۹). امامیه به جز این مورد، عده‌گرفتن زن یائسه را معتبر نمی‌داند (حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۳۶۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۲۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۶۸؛ خوئی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ص ۳۷۹؛ صدر، ۱۴۱۷ هـ، ج ۵، ص ۱۵۴؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۸).

درباره تقدم و تأخر عده طلاق و وطی به شبهه که هر دو به طهر هستند، اگر عده‌گرفتن به شبهه مقدم شد، به علت جریان اصل بر عده شبهه باقی می‌ماند و پس از آن عده طلاق را آغاز می‌کند، و اگر عده طلاق مقدم شد، عده شبهه را پس از آن کامل می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۶۴). به طور مثال اگر مردی به شبهه زن شوهردار را وطی کند و هنگامی که زن در عده شبهه است، زوجش او را طلاق دهد، در صورتی که زن باردار نباشد، اینجا عده وطی به شبهه را با سه طهر کامل می‌کند و پس از آن عده طلاق را می‌گیرد، و در جایی که مرد در عده طلاق با زن به شبهه نزدیکی کند، واضح است که ابتدا زن عده طلاق را کامل می‌کند و سپس عده وطی به شبهه را آغاز می‌کند (همان، ص ۲۶۸). در مسالک آمده در انتخاب هر کدام از عده طلاق و عده شبهه مخیر است (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۴۰۹).

۴-۴. تداخل عده طلاق بائن و عده وطی به شبهه

۱. اگر مرد زنی را که طلاق بائن داده است، در عده طلاق به شبهه وطی کند، دو عده تداخل می‌کند، براین اساس زن برای وطی دوم عده کامل می‌گیرد و مابقی عده اول (طلاق بائن) در عده دوم (وطی به شبهه) داخل می‌شود، به این علت که دو عده برای یک شخص است. بر زن یک حقیقت را که همان وطی است موجب می‌شود، و اگر عده کامل بگیرد برائت رحم آشکار می‌شود، بنابراین عده را تمام می‌کند/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۸۰. اگر وطی به شبهه متعدد شود، عده کامل‌گرفتن برای وطی به شبهه کفایت می‌کند/همان‌جا).

۲. اگر مرد زن را طلاق دهد و سپس در طهر به شبهه با او هم‌بستر شود و زن حامله شود، یا اینکه زن حامله را طلاق دهد و پیش از اینکه زن وضع حمل کند، شخص دیگری غیر از زوج با او هم‌بستر شود، اقوا عدم تداخل است، زیرا مکلفاً به متحد نیست. اعم از اینکه عده از دو جنس باشد، مانند اینکه یکی از آن دو عده به وضع حمل و دیگری به طهر باشد، یا از جنس واحد باشد که طهر یا ماه است/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۸۰. به نظر می‌رسد نظر مشهور فقهای امامیه عدم تداخل است/حلی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲۳، ص ۲۳۴؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۲۳۴؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۸. اینجا نیز مانند عده نگه‌داشتن زن به موجب وطی توسط دو شخص است، زیرا تعدد دو سبب موجب اجرای دو عده مستقل برای هر وطی است.

۵. رجوع مرد در عده وطی به شبهه

هنگامی که عده وطی به شبهه بر عده طلاق رجعی مقدم شود، نسبت به رجوع مرد به زن در بین عده شبهه دو نظر در فقه امامیه ذکر شده است. برخی از رجوع مرد به زن به علت اینکه رجوع فقط باید در عده طلاق باشد، منع کرده‌اند/جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۷، ص ۴۰۹؛ بنابراین رجوع مرد به زن را فقط در عده طلاق رجعی جایز می‌دانند، حال این عده به وضع حمل باشد یا به زمان یا به طهر. براین اساس رجوع با طلاق ثابت می‌شود، و تا اتمام عده طلاق قطع نمی‌شود؛ مثلاً هنگامی که زن از زوج حامله باشد تا زمانی که وضع حمل نکند مرد می‌تواند به زن رجوع کند، و پس از قرارگرفتن در زمان نفاس عده‌اش با طهر تمام

می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۲۸۰-۲۸۱). بنابراین پس از وضع حمل رجوع جایز نیست، به این علت که عده در اینجا برای وطی به شبهه است و عده طلاق تمام شده است. برخی رجوع مرد به زن را در عده وطی به شبهه جایز دانسته و گفته‌اند ملاک در رجوع مرد به زن در عده بودن وی است و فرقی نمی‌کند علت عده چه چیزی باشد؛ بنابراین شرطی مبنی بر عدم حق رجوع برای مرد در عده وطی به شبهه وجود ندارد (طوسی، ۱۳۸۷ هـ، ج ۴، ص ۲۵۳). این قدامه در موردی که مرد، زنی را طلاق رجعی داده، سپس با وی به شبهه وطی کرده است، می‌گوید با چنین وطیی رجوع حاصل نمی‌شود، پس زن باید به علت وطی به شبهه عده نگه دارد و بقیه عده طلاق در عده شبهه داخل می‌شود. اگر هر دو عده از یک مرد باشد، یکی محسوب می‌شود. همان‌طور که اگر زن را طلاق رجعی دهد تا زمانی که عده‌اش تمام نشود، طلاق داده نشده است و مرد می‌تواند در مابقی عده اول به زن رجوع کند، چرا که عده از طلاق است و اگر عده طلاق تمام شود، مرد در بقیه عده وطی، نمی‌تواند به زن رجوع کند؛ چرا که عده به علت وطی به شبهه است. اگر از وطی به شبهه حامله شود، با وضع حمل عده وطی را می‌گیرد و مابقی عده اول (طلاق) در آن محسوب می‌شود، چرا که عده برای شخص واحد است؛ بنابراین با وضع حمل هر دو عده تمام می‌شود (ابن‌قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۵۳۲).

ابن‌قدامه درباره اینکه اگر زن در عده طلاق رجعی ازدواج کند که عقد فاسدی است و از شوهر دوم حامله شود، آیا شوهر اول حق رجوع در مدت حمل را دارد یا خیر؟ در این باره دو قول وجود دارد:

۱. حق رجوع دارد، زیرا عده طلاق رجعی هنوز تمام نشده است و حکم نکاح همچنان باقی است.

۲. حق رجوع ندارد، زیرا زن در عده وطی به شبهه است نه عده طلاق رجعی که مرد بتواند به وی مراجعه کند. هر چند ابن‌قدامه در ادامه، این احتمال را مطرح می‌کند که زن پس از وضع حمل، بنا بر عده اول که برای طلاق رجعی بود می‌گذارد، از این رو در این صورت شوهر اول حق رجوع دارد.

هم‌چنین اگر زن حامله را طلاق دهد، سپس با او هم‌بستر شود، هر دو عده‌اش با وضع حمل تمام می‌شود. البته احتمال دارد که برای وطی (شبهه) پس از وضع حمل عده بگیرد.

در این صورت به هر حال برای مرد پس از وضع حمل رجوعی نیست (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ ج ۷، ص ۵۳۲).

۶. وطی به شبهه در عده شبهه

چنانکه زن به شبهه وطی شود، سپس در بین عده‌اش مجدداً به شبهه وطی شود، تداخل دو عده نسبت به تداخل عده طلاق و عده شبهه با یکدیگر اولویت دارد و بین اینکه دو عده از یک جنس باشد یا از دو جنس، مثل آنجا که یکی از آن دو به طهر باشد و دیگری به وضع حمل، فرقی نیست (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۳۲، ص ۲۶۶). در صورتی زن برای وطی به شبهه جدید عده شبهه را می‌گیرد که شخصی غیر از وطی‌کننده به شبهه اول، زن را وطی کند وگرنه با تعدد وطی به شبهه توسط شخص واحد یک عده که همان سه طهر است، ثابت می‌شود. درباره عده گرفتن از شبهه‌ای که همراه با عقد ازدواج است (شبهه عقد)، صاحب جواهر معتقد است پس از جدایی بین زن و مرد، ارتفاع شبهه لازم می‌شود، اما اگر فقط شبهه وطی بدون عقد متوجه زن شد، در این هنگام از وطی عده می‌گیرد، و بنابر احتیاط ترک آن شایسته نیست (همان، ص ۲۶۷).

ابن قدامه در رابطه با وطی به شبهه در عده شبهه سخنی نیاورده است، اما از مطالبی که در رابطه با وطی به شبهه در عده گفته است (قبلاً بیان شد) دانسته می‌شود که برای وطی به شبهه در عده شبهه نیز عده را ثابت می‌داند.

۷. نسب ولد شبهه

یکی دیگر از احکامی که در باب شبهه نکاح از آن سخن رفته است، الحاق فرزند به طرفینی است که شبهه بر آنها عارض شده است. امامیه بدون هیچ اختلافی نسب وطی به شبهه را مانند وطی صحیح، به والدین ملحق می‌داند (حلی، ۱۴۱۳ هـ ج ۷، ص ۳۵۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ ج ۲۳، ص ۲۳۴؛ انصاری دزفولی، ۱۴۱۵ هـ ص ۲۳۴؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۸). نجفی نسبت به آن ادعای اجماع کرده است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲۹، ص ۲۴۴).

اگر هم مرد و هم زن طرف مقابل را اشتباه بگیرند و گمان کنند که همسرشان است، و رابطه نزدیکی برقرار کنند، فرزند به آنها ملحق می‌شود؛ اما اگر هر کدام از آنها برایشان

مشتبه نباشد، فرزند به آن طرف ملحق نمی‌شود/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۱، ص ۲۴۸. در الحاق طفل متولد از شبهه به کسی که در اشتباه بوده است، فرقی نمی‌کند که شخص مزبور مجرد باشد یا متأهل؛ بنابراین همان‌طوری که طفل متولد به شبهه از زن شوهردار ملحق به او است، هرگاه مرد اجنبی نیز در شبهه باشد، طفل ملحق به او نیز خواهد شد/طاهری، ۱۴۱۸ هـ، ج ۳، ص ۳۱۸.

در مواردی که مرد به گمان اینکه زن مجرد است یا همسرش فوت شده، یا زن را طلاق داده، با او ازدواج کند، درحالی که زن نیز مشتبه است؛ اگر معلوم شود که زوج فوت نشده یا زن را طلاق نداده است، قطعاً زن پس از عده گرفتن از همسر دوم که موجب اشتباه شد، به همسر اولش رجوع می‌کند. با فرض اینکه شرایط در الحاق فرزندان موجود باشد و با در نظر گرفتن تحقق موضوع شبهه برای مرد، فرزندان به زوج دوم اختصاص داده می‌شوند (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۱، ص ۲۴۸).

حنابله معتقدند اگر مرد زنی را که همسرش حاضر نیست، به شبهه وطی کند و دارای فرزند شود نسب به او ملحق می‌شود/حجاوی مقدسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۴. این قول شافعی و ابوحنیفه نیز است/ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۸، ص ۸۲. علت این امر این است که اولاً هر کسی که حد از او برداشته شود، فرزند به او ملحق می‌شود/ابن قدامه مقدسی، ۱۹۸۳ م، ج ۸، ص ۵۴۸؛ ثانیاً واطی اعتقاد به حلال بودن وطی داشته است، بنابراین نسب مانند وطی در نکاح فاسد، به او ملحق می‌شود و از این رو با وطی در زنا فرق دارد، چراکه در آن اعتقاد به حلیت را نمی‌توان تصور کرد/همو، ۱۴۰۵ هـ، ج ۸، ص ۸۲.

۸. ارث حمل ناشی از وطی به شبهه

صاحب جواهر و ابن قدامه تمام احکام از جمله ارث و نفقه را مانند ولد نکاح ثابت می‌دانند؛ زیرا هر دو نسب را در فرزند شبهه پذیرفتند/نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۹، ص ۲۱۹؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۷، ص ۳۷۵. گاهی شبهه از طرف مرد اتفاق می‌افتد و زن می‌داند که این مرد اجنبی است و گاهی از طرف زن شبهه است و مرد می‌داند که این زن اجنبیه است و گاهی از هر دو طرف شبهه است، طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق به طرفی می‌شود که در اشتباه بوده است و در صورتی که هر دو در اشتباه بوده باشند، ملحق به هر دو خواهد

بود. به هر طرفی که ملحق باشد از او ارث می‌برد (قبله‌ای خوئی، ۱۳۷۶، ص ۲۱). شهید ثانی می‌نویسد: «اگر مسلمان با بعضی از محارم خود به شبهه ازدواج کند، توارث بین او و اولادش به خاطر نسب برقرار می‌شود، اگرچه نکاح فاسد است» (جبعی عاملی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۲۲۳). سپس در ادامه به فروض ذیل اشاره می‌کند:

۱. اگر مسلمان در اثر شبهه از دختر خود صاحب دو دختر شود، همه ماترک او میان هر سه دختر به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ یعنی دختر اول که همسر اوست، ارث زوجیت نمی‌برد؛ زیرا که سبب فاسد موجب ارث نمی‌شود، برخلاف نسب فاسد که او موجب توارث است. از نظر شهید ثانی می‌توان چنین استنباط کرد که طرفین شبهه از یکدیگر ارث نمی‌برند ولی نسب شبهه از طرفی که شبهه بر او عارض شده ارث می‌برد. اگر شبهه از هر دو طرف باشد ولد شبهه از پدر و مادر خود ارث می‌برد.

۲. اگر یکی از آن دو دختر بمیرد و ارث منحصر به فرد او دو دختر دیگر باشد، که یکی مادر اوست ماترک دختر به مادر او که خواهر او نیز هست، می‌رسد و خواهر دیگر از آن محروم است.

۳. اگر مادر بمیرد، دو دختر دیگر و ارث او هستند.

۴. اگر پس از مردن مادر، یکی از دخترها نیز بمیرد، دختر زنده که خواهر اوست از او ارث می‌برد (همان‌جا). این موارد نشان‌دهنده این است که نسب فاسد همانند نسب صحیح است و موجب توارث می‌شود. در تحریر الوسیله آمده است: مسلمان با نسب صحیح و فاسد ارث می‌برد. اگر از روی شبهه باشد و اگر مادر خود را اجنبی بداند و با او ازدواج کند و فرزندی از آنها به وجود بیاید، از یکدیگر ارث می‌برند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۳).

۹. نفقه حامله به وطی به شبهه و ولد شبهه

صاحب جواهر از شیخ طوسی نقل می‌کند که در وطی به شبهه نفقه برای حمل ثابت می‌شود نه حامله (نجفی، ۱۴۰۴ هـ، ج ۳۲، ص ۳۴۰). اشکال این مسئله در این است که چگونه نفقه بدون در نظر گرفتن مادر به حمل اختصاص پیدا کند. بنابراین مرد باید نفقه حمل را به زن بدهد و قول به اختصاص نفقه برای حمل بی‌معنا است.

این بحث از آنجا ناشی می‌شود که توهم شده است که نفقه در بین طلاق‌های بائن، فقط به مطلقه حامل اختصاص دارد این توهم نیست، بلکه واقعیت است که اصلاً به مطلقه بائن نفقه تعلق نمی‌گیرد، بلکه فقط به حمل تعلق می‌گیرد. باید نفقه حمل را به زن بدهد و قول به اختصاص نفقه برای حمل بی‌معنا است/نجفی، ۱۴۰۴هـ، ج ۳۲، ص ۳۴۰.

طبق نظر حنابله اگر زن از نکاح فاسد یا وطی به شبهه حامله شود، نفقه وی بر عهده زوج و وطی‌کننده است؛ چراکه فرزند به وی ملحق می‌شود/بیهوتی حنبلی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۴. همچنین نفقه او نیز پس از وضع حمل لازم است. هرچند ممکن است گفته شود حامله چون زوجه نیست، نفقه ندارد؛ اما درهرحال نفقه برای زن واجب می‌شود. اینجا را با جایی که زن درحالی که حامله است نشوز کند مقایسه کرده‌اند، زیرا در مذهب حنابله نفقه حامله در هیچ‌حالی ساقط نمی‌شود؛ چراکه پرداخت این نفقه در حقیقت پرداخت نفقه فرزند است/ابن‌قدامة مقدسی، ۱۴۰۵هـ، ج ۱، ص ۲۳۴.

از سخنان صاحب جواهر و ابن‌قدامة این نتیجه به دست می‌آید که ایشان نفقه را برای حمل و ولد شبهه ثابت می‌دانند. از آنجاکه برای حمل نفقه‌ای جدا از زن حامله نیست باید در طول دوران بارداری نفقه را به زن بدهد. همچنین پس از وضع حمل زن نفقه ولد شبهه بر عهده صاحب ولد است؛ زیرا ولد شبهه در تمامی احکام که نفقه نیز یکی از آنها است، به ولد صحیح ملحق می‌شود.

یافته‌های پژوهش

با بررسی جزئیات احکام شبهه در نکاح معلوم شد فقه شیعه و فقه حنبلی در تمامی احکام، شبهه را ملحق به نکاح صحیح می‌دانند و معتقدند همان‌طورکه نکاح صحیح موجب نشر حرمت می‌شود با شبهه نیز مصاهرت ثابت می‌شود. همچنین متفق‌اند که با جهل زن به حرمت نکاح(شبهه حکمیه) یا در عده‌بودن(شبهه موضوعیه)، مهرالمثل برای وی ثابت می‌شود. پس از تحقق وطی به شبهه زن سه طهر باید عده نگه دارد. صاحب جواهر معتقد است دو عده چه از یک جنس باشند چه از دو جنس، تداخل دارند؛ در صورت تولد فرزند از نزدیکی به شبهه معتقدند طفل به هر یک از طرفین که شبهه در حق او امکان‌پذیر باشد،

ملحق می‌شود. البته از طرفی که عالم است، به علت زنا نفی می‌شود؛ با برقرارشدن رابطه نسب حکم به ثبوت نفقه و ارث برای ولد شبهه می‌کنند، که از این طریق استنباط می‌شود که سایر احکام ولد نکاح را نیز در ولد شبهه جاری می‌دانند. همچنین با ادعای جهل به حکم یا موضوع، از سمت هر کدام که شبهه بر او عارض شده است، در صورتی که جهل در حق او امکان‌پذیر باشد، زنا را منتفی می‌دانند و حد را از مشتبه دفع می‌کنند.

منابع

- ابن‌ابی‌شیبیه، أبوبکر عبدالله بن محمد (۱۴۰۹هـ). *الكتاب المصنف فی الأحادیث والآثار*. تحقیق کمال یوسف الحوت. ریاض: مکتبه الرشد، الطبعة الأولى.
- ابن‌ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰هـ). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن‌قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۹۸۳م). *الشرح الکبیر علی متن المقنع*. محقق رشید رضا. بیروت: دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.
- _____ (۱۴۰۵هـ). *المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی*، بیروت: دارالفکر.
- ابوزهره، محمد (بی‌تا). *الجریمه و العقوبه فی فقه الاسلامی*. قاهره: دارالفکر العربی.
- انصاری دزفولی، مرتضی (۱۴۱۵هـ). *کتاب النکاح*. قم: کنگره جهانی شیخ انصاری، چاپ نخست.
- بحرانی، آل‌عصفور یوسف بن احمد (۱۴۰۵هـ). *الحدائق الناضره فی أحكام العترة الطاهره*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ نخست.
- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس (بی‌تا). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جبعی العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳هـ). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، نوبت چاپ: اول.
- _____ (۱۴۱۰هـ). *الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه (المحشی - کلانتر)*. قم: نشر داوری.

حجاوی مقدسی، موسی بن أحمد(بی‌تا). *الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل*. بیروت: دارالمعرفه.

حلی(محقق)، حسن بن یوسف(۱۴۱۳هـ). *قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ نخست.

_____ (۱۴۰۳هـ). *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

خوئی، محمدتقی(۱۴۰۸هـ). *کتاب النکاح، تقریرات بحث آیه الله العظمی السید ابوالقاسم خوئی*. قم: اسماعیلیان.

سیواسی، محمد بن عبدالواحد(۱۴۲۴هـ). *شرح فتح القدر، بیروت: دارالکتب العلمیه*.

شبییری زنجانی، سید موسی(۱۳۸۱). *کتاب نکاح*، قم: بی‌نا.

صدر، سیدمحمدصادق(۱۴۱۷هـ). *ماوراء الفقه، بیروت: دارالاضواء*، چاپ پنجم.

طاهری، حبیب‌الله(۱۴۱۸هـ). *حقوق مدنی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

طریحی، فخرالدین(۱۴۰۸هـ). *مجمع البحرین*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن(۱۳۶۴). *تهذیب الاحکام*. تحقیق محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

_____ (۱۴۰۷هـ). *الخلاف*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

_____ (۱۳۸۷هـ). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. محقق سید محمدتقی کشفی. تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

عاملی(شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰هـ). *اللمعه دمشقیه*. بیروت: دارالتراث - الدار الاسلامیه.

عوده، عبدالقادر(۱۳۷۳). *حقوق جنایی اسلام*. ترجمه اکبر غفوری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

قبله‌ای خوئی، خلیل(۱۳۷۶). *بررسی احکام فقهی و حقوقی حمل و جنین ناشی از زنا و وطی* به شبیهه، *مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲(۸)، ص ۱-۲۴.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب اسلامیة، چاپ ششم.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۲هـ). الکافی. محقق محمد حسین درایتی. قم: دارالحدیث چاپ اول.

حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸هـ). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام.
قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵). بررسی فقهی و حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

_____ (۱۴۰۶هـ). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوازدهم.

مشکینی اردبیلی، علی (۱۴۱۹هـ). مصطلحات الفقه. قم: دارالحدیث.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴هـ). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ نخست.

موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ نخست.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴هـ). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء تراث العربی، چاپ هفتم.